

دور دنیا در ۲۳۱ روز با شهری دریایی

ماموریت ۲۳۱ روزه ناو گروه «۸۶» بعد از پیمایش ۶۵ هزار کیلومتر به پایان رسید

پای صحبت فرمانده این ناو گروه و همسرش نشستیم تا از جنبه های جالب این سفر و در دسر های دوری از خانواده بگویند



پرونده

خانواده چشم انتظارند. یکی گل خریده و یکی با دست خط کودکانه برای پدرش متنی نوشته‌است. ناوها در اسکله پهلو گرفته‌اند و حالا اشک و خنده در هم آمیخته. دوربین‌ها در حال ثبت این لحظات پر احساس هستند. پدر خانواده بعد از ۲۳۱ روز به خانه آمده، فرزند ی را که در نبودش به دنیا آمده‌است بغل می‌کند، دخترش را در آغوش می‌کشد و اشک‌های همسرش را که از سر دل‌تنگی و شوق سرریز شده‌اند پاک می‌کند. این گوشه‌ای است از آن چه در ۲۷ اردیبهشت ۱۴۰۲ و زمان بازگشت ناو گروه ۸۶ اتفاق افتاد. این ناو گروه متشکل از ناو تمام‌ایرانی دنا و ناوبندر مکران پس از حدود ۸ ماه با پیمایش ۶۵ هزار کیلومتر و یک بار گردش به‌دور زمین به میهن بازگشت. بیش از ۳۰۰ نفر در این ماموریت حضور داشتند و خیلی بیشتر از این تعداد قصه و روایت برای گفتن هست. قصه مردانی که به‌دل دریا زدند، از توفان و اقیانوس‌ها گذشتند و این کار همیشگی‌شان است. قصه خانواده‌هایی که غم و شادی‌شان را بدون حضور عزیزان‌شان گذراندند تا به‌روز استقبال برسند. در میان این قصه‌ها، با در یادار دوم «فرهاد فتاحی» فرمانده ناو گروه ۸۶ و همسرش «فرشته سجودی» درباره سبک زندگی روی ناو و مدیریت چالش‌ها در نبود همسر و با «عبد الحمید دایا» سرآشپز ناوبندر مکران در این ماموریت طولانی درباره ریز و درشت تغذیه در ناوهای دریایی گفت و گو کردیم.

از مراسم تولد و ترحیم تا ورزش ایستاده

فرمانده ناو گروه «۸۶» از خطرات این ماموریت و ریز و درشت اتفاقات روی ناومی گوید

از دریادر دوم فتاحی می‌پرسم: در این ماموریت ۲۳۱ روزه چه چالش‌هایی داشتید و خانواده‌ها چطور با این ماموریت طولانی کنار آمدند؟ او می‌گوید: «قبل از این که به دریا عزیمت کنیم یک سال روی این برنامه کار کردیم و برای همه خطرات برنامه‌ریزی کرده بودیم. برای بحث فنی قطعه‌های یدکی و تعمیر کار داشتیم و تعمیرات اساسی را در دل دریا انجام دادیم. یک تیم پزشکی داشتیم که در همین ماموریت سه عمل جراحی را برای اولین بار روی ناو و در دل دریا انجام دادند. ما ۸ ماه در یانوردی داشتیم و به همین دلیل موارد پزشکی زیاد اتفاق می‌افتاد، بعضی افراد زمین می‌خوردند، دست و پای‌شان می‌شکست و اتفاقاتی از این قبیل. در باره خانواده‌ها دستورالعمل و تیمی در سطح نذاجا تشکیل شد که مسئول رسیدگی به خانواده‌ها در طول ماموریت عزیزان‌شان بود. اغلب کارکنانی که در این ماموریت حضور داشتند از بندر عباس بودند، بعضی خانواده‌ها که فرزند کوچک‌تر داشتند ترجیح دادند این ایام را پیش پدر و مادرشان بگذرانند. در تیمی که گفتیم از نیروی تاسیساتی تا روان‌شناس حضور داشتند و خانواده‌ها را از همه لحاظ پشتیبانی می‌کردند. حتی مسئولان نذاجا از امیر فرمانده نذاجا تا مسئولان استانی ه‌روقت مشکلی در خانه، مدرسه و... اتفاق می‌افتاد، آن‌را حل می‌کردند. در این ماموریت بیش از ۳۰۰ نفر حضور داشتند، خانواده‌ها خیلی دل‌تنگ شدند ولی این ماموریت طوری بود که قیلا از طرف فرماندهی نیروی دریایی از خانواده‌ها هم رضایت گرفته شد که عزیزان‌شان در ماموریت باشند. الحق که خانواده‌ها همراه ما بودند و مسئله‌ای در این باره نداشتیم.»

غیر ممکن شدن کارهای ساده مثل بختن نیمرو

او درباره این که درون این ناو چه اتفاقاتی می‌افتد، می‌گوید: «در ناو همه چیز هست. در ماموریت ناو گروه ۸۶ ما نانوائی و آشپزخانه داریم. سیستم فنی و تولید برق داریم. زیر ساخت‌های تماس صوتی داریم که نیروها بتوانند با خانواده‌شان صحبت کنند. موتورهایی داریم

که حتما یک راهبر می‌خواهد و به همین دلیل خدمت ما در ناو به صورت شبانه‌روزی بود. یعنی حدود ۸ ماه، ۲۳۱ روز، نفر رفته، کنار دستگاه ایستاده و نگهبانی داده‌است. این شیفت هر چهار، پنج ساعت یک‌بار می‌چرخد و همه افراد باید در طول روز بین ۱۰ تا ۱۲ ساعت به اجبار کنار دستگاه بایستند و آن‌جا کاربری کنند. یکی از علت‌های سختی کار روی دریا همین است که شما روز تعطیل و بیکاری ندارید و شبانه‌روزی مشغول کار هستید. در زندگی ساده معمولی به هر شکلی که می‌خواهید می‌توانید زندگی کنید. هر ساعتی که دوست‌دارید بخوابید یا بیدار شوید، نوع غذایی که می‌خورید و اوقات فراغتی که می‌خواهید برای خود ایجاد کنید. روی ناو همه این‌ها باید در چار چوب باشد. ما یک برنامه ساعتی روزانه داریم که در ناو باید طبق آن ناهار بخوریم، استراحت کنیم، مشغول تعمیرات یا مطالعه باشیم و ... این‌ها همه مشخص شده است و ما باید شبانه‌روزی طبق همان جلو برویم. اگر غیر از این باشد اصلا نمی‌توانیم دریا بمانیم. برای مثال خیلی کارهای ساده‌ای وجود دارد که بعد متوجه می‌شوید امکانش را روی ناو ندارید. مثلا هوس کرده‌اید یک نیمرو بیندازید و بخورید، اصلا امکان این کار را ندارید. همه چیز بر اساس قانون جلومی‌رود و محدودیت‌ها زیاد است.»

رفتارهایی طبق آموزش‌های نظامی

ناویک شهر شناور است. من اهل مازندرانم و ۲۳ سال است که روی ناو خدمت می‌کنم و بیشتر کسانی را که ما با به دریا می‌آیند، شاید ۱۵ سال است می‌شناسم. اگر دوستی و رفاقت نباشد کار

پیش نمی‌رود. البته در کنار این رفاقت‌ها طبق آموزش‌های نظامی، احترام هم رعایت می‌شود». فرمانده ناو گروه «۸۶» ادامه می‌دهد: «در طول ماموریت ناو گروه ۸۶، فرزندان ۸ نفر از عزیزان ما که در این ماموریت حضور داشتند به دنیا آمدند و ۱۰ نفر هم عزیز از دست دادند. سخت بود اما چون همه از قبل می‌دانستند کجا

می‌روند، توجیه بودند. ما در ناو برای همین ناز متولد شده‌ها جشن می‌گرفتیم، یک می‌پختیم و امکان ارتباط تصویری برای دیدن فرزندان‌شان را مهیا می‌کردیم. چون در دریاتنها تماس صوتی مجاز است و با مجوزی که می‌دادم در شرایط خاص این امکان را فراهم می‌کردیم. ما در طول این مدت برای عزیزان از دست رفته مراسم ختم می‌گرفتیم و همکارها می‌آمدند، سخنرانی می‌شد و همین چیزها باعث تسلی خاطر بود، بالاخره سخت بود و این حداقل کار ممکن. همه کارهایی را که در طول ماه و سال انجام می‌دهید، ما روی ناو انجام دادیم. روز تعطیل ما، جمعه است. چه فرقی با بقیه روز‌ها دارد؟ مثلا اگر در روزهای معمولی ساعت بیدار باش ۷:۳۰ صبح است، روز جمعه ساعت ۸ است. در این روز آموزش تعطیل است تا افراد بتوانند به کارهای شخصی‌شان بپردازند. امکانات ورزشی هم داریم و با توجه به اندازه یگان مثلاً نمی‌توانستیم روی ناو دنا، فوتبال بازی کنیم، یک سری ورزش ایستاده و بدن‌سازی و ورزش‌هایی با کش و طناب زدن انجام می‌دادیم. مکران فضای بزرگ‌تری دارد و در آن می‌توان تمرینات ورزشی بهتر داشت.» این‌ها صحبت‌های آقای فتاحی درباره اتفاقات ریز و درشت روی ناو است.



ZENDEGI- SALAM

ضمیمه روزنامه خراسان

چهارشنبه • ۳ خرداد ۱۴۰۲
۴ ذی القعدة ۱۴۴۴ • ۲۴ می ۲۰۲۳
شماره ۲۱۲۱۹

۲۴۳۹

ریز و درشت آشپزی روی ناو

«عبد الحمید دایا» سرآشپز ناوبندر مکران در ناو گروه ۸۶ درباره آشپزی در این ماموریت دریایی به دور کره زمین می‌گوید دریا متلاطم باشد یا آرام، آشپزخانه ناو تعطیل نمی‌شود. بساط صبحانه، ناهار و شام طبق برنامه‌ریزی از قبل پیش‌بینی شده برپاست. عبد الحمید دایا، آشپز ۴۷ ساله بندر عباسی که سرآشپز ناوبندر مکران در ناو گروه ۸۶ بوده است، درباره برنامه آشپزی در ناوهای دریایی، چالش‌های پخت‌وپز روی اقیانوس و برنامه غذایی کارکنان ناو گروه صحبت‌های شنیدنی دارد. ادامه این مطلب حاصل گفت و گو با این سرآشپز است که ۲۵ سال از عمرش را مشغول آشپزی روی ناوهای دریایی بوده. او در زمان به دنیا آمدن سربش دور از خانواده و در ناو گروه ۸۶ مشغول خدمت بوده‌است و وقتی با او گفت و گو می‌کردیم، دومین روزی بود که پسر حدود ۵ ماه و نیمه‌اش را بغل کرده بود.



بوی خوش قرمه‌سبزی و حلیم در ناو

در یگان‌های شناور به‌ویژه یگان‌های رزمی به دلیل محدودیت و کمبود امکانات نمی‌شود هر غذایی را پخت. دریا هم بیشتر مواقع مواج است و باید برنامه‌ریزی دقیقی برای پخت غذا داشته باشید، مواد غذایی حتما باید تازه باشد تا بتواند نیازهای بدن را تامین کند چون روی دریا نمی‌توانید خیلی از ویتامین‌ها را از جای دیگر کسب کنید و فقط باید از مواد غذایی موجود در ناو جذب بدن‌تان شود. گروه آشپزی هر ناو به یگان‌هایی بستگی دارد که به دریا می‌روند. دنا، ۴ آشپز داشت و مکران به علت بیشتر بودن جمعیت ۴ آشپز و یک سرآشپز داشت. این‌ها جدا از تیم مهمانداری، انبارداری و... هستند. غذایی که روی یگان‌های شناور پخته می‌شود تقریباً همان غذایی است که در خانه یا هتل‌ها پخته می‌شود. ما انواع خورش‌ها مانند قرمه‌سبزی، ماهی، کباب کوبیده، انواع سوپ، آش و حلیم هم روی ناو سرو می‌کنیم. فقط بعضی وقت‌ها به دلیل امواج دریا غذاهای خشک می‌پزیم اما وقتی دریا آرام باشد دیگر فرقی نمی‌کند. هر یگانی که به دریا می‌رود و قرار است مدت طولانی روی آب باشد، یک یگان لجستیک هم آن‌را همراهی می‌کند. در واقع یگانی که بتواند آن‌رزم‌ناور پشتیبانی کند چون رزم‌ناوها امکانات کمتری دارند و بیشتر حامل تجهیزات نظامی هستند.

مواد غذایی کارت ورود و خروج دارند

هر یگان شامل چندین یخچال زیر صفر خیلی بزرگ است که هر کدام شاید به اندازه یک اتاق ۴ در ۵ متر باشد. این یخچال‌ها مخصوص نگهداری مواد منجمد است. چند یخچال بالای صفر در جه هم مخصوص نگهداری صیفی جات و سبزیجات است. در انبار خشکیار هم حبوبات، قند، شکر و مواد تدارکاتی را نگه می‌داریم. برای هر ماموریت، همه چیز برنامه‌ریزی شده‌است. همه محصولاتی

که وارد یخچال می‌شوند کارت تاریخ ورود و انقضا دارند. طبق کارت هر محصول ورود می‌خورد و حتی اگر یک روز از تاریخ آن‌ها بگذرد به دلیل حساسیت کار، حق استفاده از این مواد غذایی را نداریم. هر چند ما روی ناو دکتر و جراح هم داریم اما اگر یک نفر مریض شود به علت کوچک بودن فضا، امکان واگیری بین کارکنان زیاد است. در ماموریت ناو گروه ۸۶ در چند بندر پهلوگیری داشتیم و میوه و مواد غذایی تازه‌ای را که لازم بود از آن‌جا تامین می‌کردند. وقتی دریا متلاطم باشد بعضی‌ها به دلیل طبیعت بدن‌شان، شاید دریا زده شوند و نتوانند غذا بخورند. البته عده کمی هستند و معمولا بعد از چند روز به این قضیه عادت می‌کنند. در این ماموریت مشکلی از این بابت نداشتیم. همه چیز به شکل برنامه‌ریزی خودش انجام می‌شد، یعنی در ماموریت‌های دریایی اگر ۳ ماه، ۸ ماه یا هر زمانی قرار است یک ناو روی دریا باشد همان مقدار زمان برای آن برنامه‌ریزی صرف شده‌است. چون موضوع فقط غذا نیست و ورزش و برنامه‌های جانبی دیگر هم داریم. یک به یک روی آن‌ها کار می‌شود تا یگان بتواند آماده در یانوردی شود.

همه یک نوع غذا می‌خورند

فرض کنید دوشنبه است و روی ناو هستیم. برنامه ما به این شکلی که تعریف می‌کنم پیش می‌رود. ما صبح‌ها بیشتر سعی می‌کنیم صبحانه گرم بدهیم. اگر برنامه، حلیم باشد یک نفر از آشپزها، نصفه شب بیدار و مسئول پخت حلیم می‌شود. اگر فرصت داشته باشد برای ناهار هم زمینه‌سازی می‌کند. ما ۵:۳۰ صبح داخل آشپزخانه ناو هستیم چون ساعت ۸ تا ۷ صبح مان سرو صبحانه است. بعد هم شروع به پخت ناهار می‌کنیم. روی ناو ناهار باید حتما بین ساعت ۱۰:۳۰ تا ۱۱ آماده باشد چون اولین وعده سرو ناهار ساعت ۱۱:۳۰ ظهر است. همه باید سر ساعت مشخص برای غذا خوردن بیایند. ساعت ۱۰ صبح یک میان وعده راحت مانند میوه یا کمپوت می‌دهیم و بعد هم وقت توی یک ناهار است. بسته به برنامه غذایی و نوع شام دوساعت ونیم بعد دوباره به آشپزخانه می‌رویم. شام دوشنبه شب‌ها بیشتر مرغ گنگناکی با سیب‌زمینی سرخ کرده است و از ساعت ۴ بعداز ظهر، پخت آن را شروع می‌کنیم. از ساعت ۱۹:۳۰ تا ۲۰:۳۰ هم مان سرو شام است و بسته به این که صبحانه در قا چیست، آشپز برنامه پخت آن را می‌چیند. ما در ناو، برای کل کارکنان از پایین‌ترین تا بالاترین درجه که فرمانده یگان دریایی است یک نوع غذا طبخ می‌کنیم. جیره هر فرد به مقدار و گرم مشخص است. البته بعد از چندبار تقسیم غذا دست‌مان می‌آید که چه نفراتی کمتر یا بیشتر غذا می‌خورند و سعی می‌کنیم با رضایت خودشان مقدارها را کمی جایگزین کنیم تا دور ریز غذا نداشته باشیم.

برای تولد پسر در یگان، کیک پختیم

این ماموریت دریایی برای ۶ ماه برنامه‌ریزی شده بود. وقتی به این ماموریت رقتم، همسر م باردار بود و می‌دانستم احتمالا در زمان وضع حمل در کنارش نیستم. راستش چون آن‌زمان کنارش نبودم خیلی سخت گذشت. حالا که دارم با شما حرف می‌زنم پسر ۵ ماه و نیمه‌ام توی بغلم است و بچه‌داری را انداختند روی شانه من. ما از بمبئی هند حرکت کرده‌وزدیک جاکارتا ی اندونزی بودیم. می‌دانستم که امروز وفر دست همسرم زایمان کند. نمی‌توانستم هر لحظه و هر دقیقه نگ‌بزنم چون ما روی ناو برای تلفن‌زدن سهمیه داریم و نمی‌توانیم هر لحظه که دل‌مان خواست نگ‌بزنیم. صبح‌روززدیک ساعت ۵ با همسرم تماس گرفتم اما جواب‌نداد و نگران شدم. بعد که به مادر همسرم نگ‌زددم او هم جواب‌نداد خیلی دلواپس شدم. دستم به هیچ‌جا بند نبود. آخر سر شمار دخترم را گرفتم. با خوشحالی گفت که مادرش در بیمارستان بوده، وضع حمل کرده‌و فر دوسام هستند. آن قدر خبر مسرت بخش و خوشحال کننده‌ای بود که همان شب در یگان کیک پختیم، جشن تولد گرفتیم و با کیک، آب‌میوه و نوشابه از نیروها پذیرایی کردیم. همه خیلی خوشحال شدند و آن‌روز خیلی با من همکاری کردند. به همین دلیل تولد پسر م خاطر ه شد و روز خوبی برای ما ساخت.

هدف بزرگ، نقش کوچکی داشتیم و پرچم کشور مان می‌تواند در دورترین آب‌های دنیا به اهتزاز در بیاید. اگر ما در این قسمت تاریخی، نقش کوچکی داشتیم مایه مباهات و افتخار مان است. الان پسر مان ۱۵ ساله و کلاس نهم است. شغل پدرش را دوست دارد و به‌آن افتخار می‌کند ولی همیشه به من می‌گوید این فقط شغل نیست، عشق است! خیلی پایم‌دری و صبوری می‌خواهد و من فکر نکنم بتوانم از پس آن بربیایم. به‌طور کلی در طول این مدت من عجول بودم، ولی‌صور شدم. خیلی کم‌طاقت بودم، طاقتم زیاد شد. آدم حساسی بودم اما سعی کردم حساسیت‌هایم را کمتر کنم و این یک تمرین بوده. انگار در این دریانوردی‌ها همه ما رشد و خودسازی، صبوری، ایثار و توجه به یک هدف عالی‌تر و بزرگ‌تر اتمرین کردیم.»

